

نگارش ۳

گردنه‌های جدید . جلسه ۲۲

آقای محمد جواد قدوسی . ۲۳ شهریور ۱۴۰۰

جریان طبیعی تنفس شما را به ادامه زندگی می‌برد. با هر دم جهان و رویدادهای زندگی روزمره، بدون تغییر اساسی، به درون کشیده می‌شود. و با هر بازدم یک قدم در پذیرش زندگی و دعوت از جهان برای اتفاقات جدید.

زندگی با ریتم دم و بازدم در حال روی دادن است و شما خواسته یا ناخواسته در آن مشارکت می‌کنید. و این ریتم در حال تکرار است. هرشکی یا هر یقینی یا هر تصمیمی یا مشاهده‌ای یا هر کشفی به سرعت در میان امواج این دم و بازدم محو می‌شوند و جز یک خاطره که می‌توانید با آب و تاب و با جذابیت زیاد برای هرکسی تعریف کنید چیزی از آنها باقی نمی‌ماند. قدرت روزمرگی‌ای که در این دم و بازدم هست لحظه‌های زندگی را یکی یکی می‌گذراند و شما را با اتفاقات روزمره مشغول می‌کند. و هرچیز بدرد بخوری را به سرعت تبدیل به یک امر روزمره و بی‌خاصیت می‌کند.

« وقت آن نرسیده که قلب‌هایتان کنده شود از توجه به حقیقت این جهان؟ » و از توجه به آن لحظه بسیار اندک که مابین دم و بازدم قرار دارد و گویا همه کائنات را متوقف و متمرکز می‌کند؟

(پخش آیات ابتدایی سوره انبیا)

اگر فکر می‌کنید وقت آن رسیده پس باید کاری کرد. کاری که می‌توانیم! کاری که می‌شود!

پس آماده بشوید و کمرهایتان را سفت ببندید و کفش آهنی به پا کنید ...

نگاهی به زندگی گذشته‌تان کنید و خطرترین کاری را که شما انجام داده‌اید و نه چیزی که برایتان پیش آمده یا زندگی به ارمغان آورده پیش چشم بیاورید ...

و حالا اگر آن قله خطیر را پیدا کردید، دست بجنبانید و انگشت اشاره و شصت روی آن قله بگذارید و تا حد یک تپه کم‌ارتفاع پایین بیاورید ...

تا بتوانید پشت آنرا ببینید ... آیا قله‌ای هست که فتح نکرده باشد؟ ... امر خطیری هست؟ گردنه‌ای مه‌آلود، در برف و بوران و پر طوفان؟

کار سخت و خطرناکی که در زندگی برای شما امر بزرگی است: برای کسی که دائم در حال تغییر وضعیت زندگی بود، پایداری و صبوری خطرترین است. برای کسی که امنیت داشته شکست این امنیت .. هرکس خودش می‌داند برای او چه گردنه‌ای است... هیچوقت، هیچوقت توان تعریف کردن این داستان قهرمانانه برای شما وجود نخواهد داشت. در این راه همراهی، همنفسی مثل بچه‌های نگارش که بنشینند و با آب و تاب برای آنها تعریف کنید وجود ندارند. تنها هستید. تنها می‌مانید و این تنهایی تمامی ندارد. شما هستید و حقیقت محض که آنرا تجربه خواهید کرد...

برای این تصمیم باید در لحظه مرگ بین دم و بازدم خودتان را قرار بدهید و باید نفس را حبس کنید. تنها تا نفس حبس است فرصت دارید برای این اقدام تصمیم بگیرید. پس خوب فکر کنید و بعد از آن نفس عمیقی بکشید و نفس را حبس کنید و تصمیمتان را بگیرید.